

عنوان مقاله:

ارزیابی استقرار مدیریت دانش در مدارس دولتی مرکز شهر و فاز ۲ و ۵ در دوره ابتدایی آموزش و پرورش شهریار براساس نظریه نوناکا

محل انتشار:

نهمین کنفرانس بین المللی دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

فاطمه قره داغی - کارشناس ارشد علوم تربیتی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی

عباس خورشیدی - استاد گروه مدیریت آموزشی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران

خلاصه مقاله:

پژوهش حاضر با هدف «ارزیابی استقرار مدیریت دانش در مدارس دولتی مرکز شهر و فاز ۲ و ۵ در دوره ابتدایی آموزش و پرورش شهریار براساس نظریه نوناکا» انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش تمامی مدیران مدارس دولتی مرکز شهر و فاز ۲ و ۵ در دوره ابتدایی آموزش و پرورش شهریار را تشکیل می دادند که با روش نمونه گیری طبقه ای و با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه گیری، تعداد ۴۰ نفر از مدیران در پژوهش شرکت داشتند. ابزار اندازه گیری پژوهش، پرسشنامه ۲۵ سوالی نوناکا (۲۰۰۰) بود. در تحلیل داده ها از روش های آماری توصیفی فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، کجی، کشیدگی، نمودار، آزمون کالموگراف و در بخش آمار استنباطی از میانگین وزنی و آزمون های T تک گروهی، T دو گروهی مستقل و تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شد. نتایج حاصله نشان داد: مدیریت دانش در مدارس دوره ابتدایی در سطح نسبتاً مطلوب وجود دارد. مدیریت دانش بر اساس استراتژی سازمانی، راهبری سازمانی و انگیزه مدیران مدارس در سطح نسبتاً مطلوب است. در مقایسه مولفه ها مدیران مدارس ابتدایی شهریار از لحاظ سطح راهبری سازمانی هستند، از لحاظ استراتژی سازمانی در سطح متوسط و از لحاظ انگیزه ضعیف می باشند. مدیریت دانش بر حسب ویژگی های جمعیتی شناختی بررسی شده نشان داد استقرار مدیریت دانش در بین مدیران زن و مدیران مرد، مدیران با تحصیلات لیسانس و مدیران با تحصیلات فوق لیسانس، مدیران با سابقه های کاری متفاوت، مدیران با سابقه های مدیریت متفاوت و مدیران دارای رشته های تحصیلی مختلف، تفاوتی وجود ندارد.

کلمات کلیدی:

مدیریت دانش، استراتژی سازمان، راهبری سازمان، انگیزه کارکنان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1637626>

